

تیر ماه = پاییز تازیگان

سنائی بیتی دارد به این شکل:

تا چو خورشید سپر کردار در برج کمان در رود آخر بود تازیان را ماه تیرا
 ظاهراً تا حال به مشکلی که در این بیت رو می‌کند توجهی شایسته نشده است.
 چگونه ممکن است که چون خورشید به کمان (قوس=آتر) وارد شود، ماه تیر (سرطان)
 به پایان برسد؟ نویسندگان لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه تیر، این بیت را شاهد آورده و
 حاشیه‌ای بر آن افزوده‌اند به این شکل: «... سنائی تساهل کرده و ماه تیر را پس از قوس
 (کمان) دانسته است درحالی که نه با فصل خزان موافق است و نه با اولین ماه تابستان»
 توضیح این که فرهنگهای فارسی از لغت فرس^۲ گرفته تا انجمن آرا همگی یکی از
 معانی تیر را پاییز یا خزان داده‌اند. اما آنچه برای نویسندگان لغت‌نامه مشکل ایجاد
 کرده است این که در این بیت سنائی ماه تیر به کار رفته و نه تیر به‌تنهایی.

کاربرد واژه تیر به معنی خزان در فارسی ظاهراً شایع بوده است اما نمیدانیم چرا
 سنائی می‌گوید تیر ماه تازیان به پایان میرسد با همه شیع کلمه تیر به معنی پاییز، برخی
 از دانشمندان به آن توجه نکرده‌اند از جمله عبدالحسین نوشین در فرهنگی که بر شاهنامه
 نوشته معنی پاییز را برای کلمه تیر نداده است و عجیب این که شاهدهی که برای تیر ماه
 خورشیدی (چهارمین ماه سال) آورده است بهتر است که پاییز معنی شود:

هوا خوشگوار و زمین پرنگار تو گفتمی به تیر اندر آمد بهار^۳

به نظر می‌آید، چنان که در متن داستان روشن و گفتگو از خزان است، مقصود
 فردوسی از تیر، خزان بوده و وی خواسته بگوید که گوئی در خزان بهار آمد. در
 موارد دیگر هم فردوسی تیر را به معنی خزان به کار برده است از جمله:

بهار و تموز و زمستان و تیر نیاسود هرگز یل شیر گیر^۴

بجز آنچه اشاره شد، فرهنگهای فارسی: برهان قاطع، جهانگیری، فرهنگ شمس
 فخری و دیگران و بالاخره استینگالس لغت‌نامه و فرهنگ فارسی معین همه، واژه تیر
 (و نه تیر ماه یا ماه تیر) را به معنی خزان داده‌اند. ایاتی که دکتر عقیقی در حاشیه
 بر جهانگیری و نویسندگان لغت‌نامه به عنوان شاهد آورده‌اند، نشان می‌دهد که عده
 زیادی از شاعران فارسی کلمه تیر را به معنی خزان به کار برده‌اند: عنصری، اسدی، ناصر

۱- دیوان به نقل از لغت‌نامه.

۲- چاپ اقبال ص ۱۳۹.

۳- واژه‌نامهک تهران ۱۳۵۲ ص ۱۳۸. ولف این معنی را نداده است.

۴- شاهنامه چاپ سعید نفیسی جلد ۷ ص ۲۵۸۱.

خسرو، قطران، سنائی، معزی، سوزنی و بالاخره سراینده سندبادنامه. نمونه‌هایی هم از فردوسی نقل کردیم. تا آنجا که نگارنده دیده است فقط در دو مورد از مواردی که نقل شد تیر ماه در معنی خزان به کار رفته است که نخستین آن از عنصری است:

اگر به تیر مه از کیش جامه باید تیر چرا برهنه شود بوستان چو آید تیره
و دیگری از قطران:

تا سپاه گل هزیمت شد ز خیل مهابه تیر از ترنج افروخت پستان چون سپهرازمه تیر
مورد زیر را نیز من در دیوان منوچهری یافتیم و شاید اگر دقت شود موارد دیگری پیدا شود. او در یکی از شعرهای خود می‌گوید:

تا ابر نو بهار مهی را مطر بود تا در زمین و روی زمین بر، نفر بود
تا وقت مهرگان همه گیتی چو زر بود از آب تیر ماهی و از باد مهرگان
عمر تو همچو نوح پیمبر دراز باد...۷

به این ترتیب معنی بیت سنائی که در آغاز سخن نقل شد تاحدی روشن می‌گردد که می‌گوید چون خورشید سپر کرد دار به برج کمان در آید، پاییز تازیان به پایان می‌رسد. برای این که هر گونه شك و تردید در کاربرد تیرماه به معنی خزان با پاییز از بین برود نمونه‌هایی از تقویم‌های محلی ایرانی که در شرق افغانستان معمول است می‌آوریم. این تقویم‌ها همه شان می‌دهند که بنیاد ایرانی دارند. در تقویم منجانی (Menjáni) از تقویم‌های نورستان که تقویمی است فصلی کلمه تیر به معنی پاییز به کار می‌رود و نام سه ماه پاییز چنین است:

- | | |
|--------------------|------------------|
| 1- awal máitiramo | اول ماه تیر ماه |
| 2- miyán máitiramo | میان ماه تیر ماه |
| 3- avir máitiramo | ماه آخر تیر ماه |

در اوایل این قرن تاحیک‌های پامیر، چهار فصل سال را چنین می‌نامیده‌اند:

- | | |
|-----------|-------------|
| 1- bohor | 2- tobiston |
| 3- tiramo | 4- zimiston |

در اوایل این قرن گروهی انگلیسی که برای اکتشاف هندوکش رفته بودند، در آن کوهها نام فصول سال را چنین ضبط کرده‌اند:

- | | |
|--------------------|--------------------------|
| 1- bahár | 2- tóbistán |
| 3- tiramá / tiramo | 4- zamistán / cila (چله) |

به این ترتیب و با وجود شاهی زنده در میان مردم، روشن می‌شود که در روزگاری

۵- و در این بیت نیز به سختی میتوان گفت.

۶- دیوان عنصری و دیوان قطران به نقل از لغت‌نامه.

۷- دیوان منوچهری به تصحیح دکتر محمد دبیرسیاقی تهران ۱۳۴۷ ص ۲۱۳.

۸- W. Lentz. Zeitrechnung in Nuristan und Pamir, نک

Gratz. 1977. Tafel E.

۹- همان کتاب ص ۱۸

۱۰- همان کتاب ص ۴۵

(اگر نه همه) لااقل عده‌ای از ایرانیان پاییز را تیرماه می‌نامیده‌اند و این رسم در میان تاجیکان دور افتاده‌تر باقی مانده و سنائی و قطران و عنصری و منوچهری هم از همین جهت ماه تیر را بجای خزان به کار برده‌اند. حال آنچه می‌ماند این است که از آنجا که در فرهنگ ایران باستان هیچ نشانه‌ای از این موضوع نداریم که تیر (و به طریق اولی تیرماه) در معنای خزان به کار رفته باشد، پس این کاربرد از چه زمانی شروع شده است؟ دکتر معین در فرهنگ خویش پس از دادن معنی پاییز برای کلمه تیر این توضیح را افزوده است: «در قدیم تیرماه به پاییز می‌افتاد». در این مورد فکر می‌کنم لااقل دو چیز روشن باشد: اول این که صرف افتادن تیرماه به پاییز نمی‌توانسته است ناهای اصلی و مشهور پاییز، خزان و امثال آن را از میان ببرد و تیرماه جای خزان را بگیرد. تیرماه و هر ماه دیگری در سال گردش میکرده‌است، حال چه شده است که فقط همین ماه از میان دوازده ماه سال، نام خود را به پاییز داده است؟ به همین دلیل استدلال تقی‌زاده به نقل از دانشمند پارسی، کوکا، نیز پذیرفتنی نیست که چون روزگاری تیر ماه (آن هم به طور فرضی) در پاییز می‌افتاده نام خود را به پاییز داده‌است. ۱۱. دیگر این که کلماتی چون قدیم (دکتر معین) و وقتی یا روزگاری (تقی‌زاده) بسیار کشدارند. می‌تواند برای کسی قدیم یا روزگاری سی سال پیش باشد و یا سی هزار سال پیش. بعلاوه در سالهایی که تقی‌زاده و دکتر معین آثار خویش را مینوشتنند تیرماه یزدگردی در پاییز بود چنان که امروز هم هست و مثلاً تیرگان طبری (تیرماه سیزده) در حدود بیستم آبان ماه قرار دارد. پس فقط در قدیم تیر ماه به پاییز نمی‌افتاد. این امکان با گردش روزگار برای هر ماه دیگری از سال یزدگردی بوده و هست. حال اگر بخواهیم با یک حساب سرانگشتی آن قدیم یا روزگاری را مشخص کنیم ناچاریم از چنین راهی برویم:

با توجه به این که اکنون حدود دویست سال است که تیر ماه در پاییز است و با توجه به این که یک دوره گردش سال یزدگردی در سال خورشیدی (ثابت) ۱۴۴۵ سال طول می‌کشد پس:

$$\text{سال } ۱۴۴۵ + ۲۰۰ = ۱۶۴۵$$

مدت زمانی است که باید پس برویم تا برسیم به زمانی که تیرماه میخواست وارد پاییز شود و اگر مثلاً سال ۱۹۸۵ را مبدائی معاصر خود بگیریم حساب چنین می‌شود:

$$\text{میلادی } ۱۶۴۵ - ۱۹۸۵ = ۳۴۰$$

یعنی در حدود سال ۳۴۰ میلادی تیر ماه وارد پاییز شده و چون این میزان گردش برای یک فصل برابر با یک چهارم ۱۴۴۵ سال یعنی ۳۶۰ سال است پس ۳۶۰ سال پس از سال ۳۴۰ میلادی تیر ماه از پاییز خارج می‌شده است:

$$\text{میلادی } ۳۶۰ + ۳۴۰ = ۷۰۰$$

یعنی در حدود سال ۷۰۰ میلادی (پایان قرن هفتم و مصادف با پایان کسار ساسانیان) اتفاقاً این حدود و مخصوصاً قرن هفتم بهترین موقعیت تاریخی است که بتواند کاربرد تیر ماه را در معنی خزان توجیه کند. درست در همین حدود فرهنگ زردشتی که حامی تقویم خورشیدی گردان بود دچار ضعف شده است و مخصوصاً در شرق ایران (سند) مانویت جای آن را گرفت. در نتیجه کاربرد تقویم گردان (یزدگردی) محدودتر و محدودتر گردید و با زوال ساسانیان و آمدن اسلام به ایران به نقاط خاصی و در دوره ما به کرانه‌های خزر و خلیج فارس محدود شد. در هنگام چنین فتوری، تیر ماه در پاییز بود و جشن تیرگان که کم از مهرگان نداشت و از بزرگترین جشن‌های ایرانی بود نیز یادآور فصل پاییز می‌گشت. اگر ضعف این تقویم، همراه با اتخاذ يك سال ثابت خورشیدی بوده باشد یا حتی وخیم‌تر از آن برای ایرانیان زردشتی تقویمی غیر خورشیدی خواسته باشد جای آن را بگیرد، این عادی است که از تیرگان و تیر خاطرهای همراه با پاییز در یادها بماند و مردمی که پس از اسلام به تیرگان و دیگر جشن‌ها به حسرت می‌نگریستند این خاطره را با اطلاق تیر به پاییز حفظ کرده باشند. از نظر تاریخی این کار فقط در حدود قرن چهارم تا هفتم میلادی و به احتمال قوی‌تر در انتهای این دوره صورت گرفته است. پس استعمال واژه تیر در معنی خزان از محصولات فارسی آغاز دوره اسلامی (فارسی‌نو) بوده و چون این در خراسان قدیم رایج بوده است (چنان که شواهد آن در تقویم‌های افغانستان و میان تاجیکان دیده می‌شود) شاعران خراسانی چون عنصری، فردوسی، سنائی و دیگران چنین اصطلاحی را به کار برده‌اند. جز قطران که تحت تأثیر شعرای خراسان است، از شاعران غرب کسی این اصطلاح را به کار نبرده است. چنان که ملاحظه شد اکنون اصطلاح تیر ماه برای پاییز بیشتر توسط تاجیکان افغانستان و پامیر به کار می‌رود. شاید اصطلاح تاجیک روزگاری برای دسته خاصی از ایرانیان یا اصولاً همه ایرانیان به کار می‌رفته چنان که در خراسان قدیم ترك و تاجیک معادل ترك و ایرانی در شاهنامه فردوسی است. من حدس می‌زنم که در شعر سنائی که مورد بحث ما است، مقصود از تازیان همان تاجیکان باشد چه از نظر زبانی تاجیک میتواند فرم شمالی کلمه تازیک باشد (که فرم جنوبی است). از آنجا که تازیان (اعراب) هرگز ماه تیر و آن هم به معنی پاییز نداشته‌اند شعر سنائی جز بر پاییز تاجیکان بر چیز دیگری دلالت نمی‌کند. دیدیم که اصطلاح هنوز میان تاجیکان افغانستان معمول است ۱۲. در کتاب پهلوی بندهشن نیز سالشماری دوازده هزار ساله ایرانیان «سالمر تازیکان» خوانده شده است ۱۳.

۱۲- باید یادآور شوم که غیر از کتاب لنتز (دریادداشت ۸) کتب دیگری هم تیر ماه را در افغانستان به معنی پاییز داده‌اند از جمله:

L.W. Adamec. *Historical and Political Gazetteer of Afghanistan*.
Graz, 1975. Vo/ 3. p. 458.
13- TD2. p. 238. p. 6.